

تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در صنعت قلمکاری و تاریخچه احمالی آن



سوقی ظاهر می‌شود که آن را بازار و سرای چیت‌سازها یا قلمکارها می‌نامند و تعداد زیادی کارگاه چیت‌سازی و قلمکاری در آن فعال هستند.

هنوز اهل فن و متخصصین موفق به کشف تاریخ دقیق قلمکاری و ساخت آن یعنی هنر نقاشی یا چاپ پارچه بر روی پارچه‌ها نشده‌اند. دو تابلویی که از زمان سلجوقیان باقی مانده نشان می‌دهد که این صنعت از سال‌های بسیار دور در ایران معمول بوده ولی توسعه و رواج آن مسلماً از قرن هفدهم آغاز شده و مراکز عمده آن در رشت، اصفهان، کاشان و بروجرد بوده است.

با این‌که اکثر تصاویر قلمکارها، چاپی است، نقاشی آن هم پیدا شده و بعضی اوقات نقاشی آن مرغوب‌تر بوده است. با این‌که عده‌ای رواج این صنعت را حتی پیش از دوره غزنویان می‌دانند ولی در منابع موجود تا قرن هجدهم، هیچ نامی از قلمکار برده نشده است. از بین گردشگران، شاردن با این‌که از بازار صباغان سخن گفته ولی اشاره‌ای به نقاشی روی پارچه نکرده است.

دکتر کریستی ویلسن در کتاب صنایع ایران می‌نویسد: «تصاویر نقاشی شده به روی پارچه دیده می‌شود که بسیار زیبا هستند و قلمکار نام دارند.»

دارد که متصل به بازار اصلی اصفهان است. با گذشت از چندین مغازه، کاروانسرای شاه عباسی قرار دارد که به نام «کاروانسرای شاه» معروف است. تعدادی حجره و در بالای آنها اتاق‌های استراحت جهت تجار مراجعه‌کننده تعبیه شده که مرکز تجارت در زمان شاه عباس بوده و مغازه‌های طولی از نظر طول در آن ساخته شده که طرف چپ می‌باشد؛ در طرف راست مجموعه ضرابخانه بوده که درست در مقابل کاروانسرای شاه می‌باشد و امروز به یکی از شعب بانک تبدیل شده است.

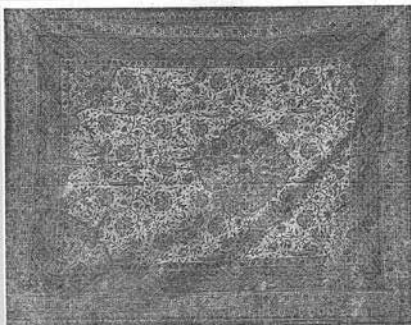
با عبور از دو مجموعه ذکر شده، چهار

در اصفهان درست مقابل مسجد شاه عباس، ساختمان قیصریه قرار گرفته که بالای قیصریه و ورودیه بازار چیت‌سازها نقارخانه مشهور و در طرفین آن گوشواره‌هایی به صورت قرینه وجود دارد، بالای آن در پیشانی سردرب ورودی بازار، صحنه نقاشی بسیار زیبایی رضا عباسی از واقعه شاه سلطان حسین و قتل تمام شاهزادگان توسط محمود افغان و اشرف افغان به تصویر آمده و از شاهکارهای نقاشی دوران صفوی به شمار می‌آید.

در طرفین قیصریه، طرف چپ بازار کفاش‌ها و طرف راست در بازار صراف‌ها و قنادها قرار



تصویر شماره یک - نمایی از قیصریه



تصویر شماره ۴- نقش یک پرده

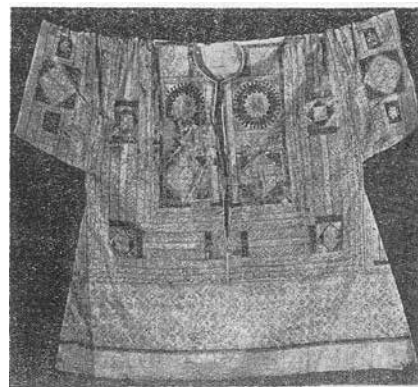
جلوه کرده است. کسی که این پیراهن تقوی را با آیات و ادعیه بر تن داشته با خضوع بیشتری به درگاه خداوند عبادت می کرده اما معلوم نیست این پیراهن را برای اندام پادشاه ساخته‌اند یا عارف و زاهد!

صنعت قلمکاری در دوره صفویه رونق بسیاری داشت به این معنی که میزان مصرف آن بالا رفت و لباس‌های زنانه و مردانه از پارچه‌های قلمکار و نوع مخصوصی به نام قلمکار زر یا اکلیلی تهیه می‌شد. گردشگران که از لباس ایرانیان عصر صفویه به خصوص عصر شاه عباس اول مطالبی نوشته‌اند، جنس پارچه لباس‌ها را از جنس قلمکار کتان، کرباس و چلوار اعلام کرده‌اند و علت آن هم نه تنها در خنک بودن پنبه به‌عنوان لباس دانسته‌اند بلکه شاه عباس این لباس‌ها را مرسوم کرد تا از مصرف ابریشم در داخل کشور حتی الامکان خودداری گردد. اکنون از پارچه قلمکار به‌عنوان رومیزی، روتختی، سفره، سجاده، پرده، بقچه، کیف، دامن، پیراهن مردانه و زنانه، روسری، دستمال، شال گردن و... استفاده می‌شود.

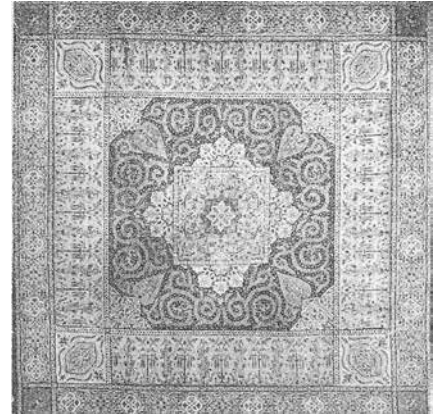
در این تصویر، نقش یک پرده بسیار زیبا توسط قالب قلمکاری شده ۱۸ قالب با زمینه‌های مختلف به رنگ‌های متفاوت در یک قاب با سه ردیف نواری به صورت منظم و چهار گوش تهیه شده و طرز قرار گرفتن گل و بوته در سطح زمینه بسیار منظم و زیباست. این نوع قالب‌ها بسیار ظریف و حساس تهیه شده‌اند و جذب رنگ به آرامی بر سطح پارچه منتقل و

و دریای سیاه را به یکدیگر وصل می‌کند و تبادلات و ارتباطات شرق و غرب را ممکن می‌سازد که در ظهور و افتتاح پارچه قلمکار نقشی داشته است. با ورود کالاهای چینی به ویژه در زمان مغول، تقاضا برای پارچه منقوش به سبک چینی در ایران افزایش پیدا کرد. متعاقب این وضع، نساجان و نقاشان ایرانی، اسلوب و طرح‌های چینی را تقلید می‌کردند به این ترتیب تولید پارچه قلمکار با همکاری هنرمندان و صنعتگران ایرانی تکامل و توسعه پیدا کرد مع الوصف نمونه‌هایی از نقاشی روی پارچه که تابحال به دست آمده از زمان غزنویان به بعد می‌باشد؛ به طوری که اکثر محققین قدمت این صنعت هنری را به زمان غزنویان نسبت می‌دهند ولی به احتمال زیاد پارچه قلمکار در زمان صفویه رایج و متداول شده و به اوج عظمت خود رسیده است.

تصویر شماره ۳ طرح قلمکار روی یک قطعه پیراهن غیرمعمول به کار رفته که در واقع شبیه نمونه‌ای از هنر تذهیب کتاب به روی پیراهن کتان است نه شبیه هنر نساجی زیرا خانه‌ها و مربع‌های میان خطوط آن مملو از آیات قرآن و ادعیه است که برای منظور خاصی به جای صفحه کتاب روی پارچه پیراهن نقش بسته است. با این جال باید اذعان کرد که به کار بردن هنر خطاطی در این مورد بسیار با موفقیت توأم بوده و جنبه ایمان در این پیراهن گرانبها به خوبی



تصویر شماره ۳- طرح قلمکار روی پارچه



تصویر شماره ۲- پرده قلمکار متعلق به قرن یازدهم

قلمکار چیست؟

واژه «چیت» به معنی پارچه‌های چاپی است و این واژه در اصل هندی است و منشأ قدیمی و اولیه آن هند می‌باشد. ایجاد نقوش روی پارچه به وسیله باسمه یا قالب ظاهراً در سده چهارم پیش از میلاد مسیح در هند مرسوم بوده است. استرابو- جغرافی‌دان و مورخ یونانی- در نخستین سال‌های پس از میلاد مسیح از ورود پارچه‌های چاپی به اسکندریه سخن گفته است. در ایران عصر ساسانی، چاپ روی پارچه از تکامل بیشتری برخوردار بوده به این معنی که پارچه‌های پشمی، کتانی و ابریشمی با گلدوزی‌های نوین تزئین یافت. رونق قلمکاری یا چیت سازی در ایران از زمان ساسانیان آغاز شد. برخی نویسندگان با ارائه طرح‌های متعلق به قبل از سال ۹۰۷ قمری به انتشار آنها پرداخته‌اند تا تحولات قلمکار سازی را در زمان گذشته به کمک نقوش رایج در آن به نمایش بگذارند. بعضی دیگر از علاقه‌مندان به ۳۳۴ قالبی که در حال حاضر قلمکاران و قلمسازان از آنها استفاده می‌کنند؛ اشاره کرده و تکامل و تحول صنعت قلمکاری را نشان می‌دهد.

برخی نویسندگان نیز رونق این نوع صنایع دستی را در موقعیت خاص ایران جست‌وجو می‌کنند که چون پلی آسیا و سواحل مدیترانه

و ایجاد هماهنگی و یکنواختی نقوش، استفاده از مهرهای چوبی را جایگزین استفاده از قلم مو ساختند و جهت فراهم آوردن امکاناتی برای استفاده عموم، قلمکار را که قبلاً فقط بر روی پارچه های پشمی و ابریشمی انجام پذیر بود بر پهنه انواع پارچه از قبیل متقال، کتان، چلوار، کرباس و حتی پوپلین کشاندند.

در حال حاضر چاپ قلمکار بوسیله قالب‌های چوبینی که دارای نقوش برجسته است انجام می شود و در حقیقت رکن اصلی قلمکارسازی را قالب سازی تشکیل می دهد که معمولاً توسط افرادی که حرفه و تخصصشان قالب تراشی است به تفکیک رنگ بر روی چوب‌هایی مانند گلابی و زالزالک تراشیده می شود.

رنگ سازی یکی از حساسترین مراحل ساخت قلمکار است که طی آن استاد کاران بر اساس تجربیاتشان از موادی ساده و ارزان قیمت نظیر پوست انار، روغن کنجد، کتیرا، گل سرخ، شیره انگور، زرد چوبه، روغن گرچک، زاج سیاه، رنگ آهن و... مواد رنگی مورد نظرشان را تهیه می کنند و سپس از آن برای تهیه مقدمات چاپ پارچه می پردازند.

نخستین مرحله چاپ قلمکار آب دادن پارچه است که طی آن پارچه مورد نظر جهت قلمکارسازی را به رودخانه برده و مدتی در آب روان قرار می دهند تا رنگهای اضافی آهار و سایر مواد زائد آن گرفته شود.

از آنجا که اکثر پارچه‌های مورد مصرف در قلمکارسازی دستباف بوده و فاقد سفیدی و شفافیت کافی است بعد از این کار نوبت سفیدگری آن میرسد (معمولاً سفیدگری بر روی پارچه های ماشینی نظیر چلوار یا گاندی که قبلاً در کارخانه عملیات سفیدگری بر روی آنها انجام شده ضروری نیست) و صنعتگران پس از شستشوی کامل پارچه آن را بر روی ریگ‌های ساحل رودخانه گسترده و به وسیله ظروفی مسین که لاک نامیده می شوند، بطور مرتب روی آن آب می پاشند.

نیز کاروانسراهای متعدد و تیمچه‌های بازار، همگی در اختیار جماعت هنرمند این حرفه بوده است؛ میزراحسین تحویلدار در این باره می نویسد: «قلمکار صنعت بسیار بزرگی است؛ سابق خیلی جمعیت و رواج داشته است. الان نسبت به پیش تضعیف کلی کرده قلمکار زر می ساختند؛ از قلمکار صدرسی بهتر و گرانتتر ولی چون مشوق و خریدار نداشت، متروک شد؛ این صنعت چهار بازار دارد، متصل و داخل هم، دروازه اش از دهانه قیصریه به میدان شاه است و در میان بازارها و پنج کاروانسرا و تیمچه واقع شده است که یکی از آنها سرای شاه است؛ کل اینها دکاکین چیت ساز (قلمکارسازها) است و مشتمل بر ۲۸۴ باب دکان و حجره و کارخانه؛ متاعشان به همه ولایات ایران می رود ولی قماش فرنگی، بازارشان را شکسته و نصف از ایشان باقی نمانده اند.»

تصویر شماره ۵ یک شاهکار قلمکاری است که از ۱۶ قالب متفاوت و به تعداد رنگ‌های استفاده شده، تشکیل می گردد. قاب دور آن نیز به طور جداگانه طراحی و پیاده سازی شده است.



تصویر شماره ۵ - نمونه قلمکاری

مراحل تهیه قلمکار:

با این که قلمکار سازی ریشه غیر ایرانی دارد اما هنرمندان ایرانی نقش موثری در تکمیل آن داشتند و برای نخستین بار قلمکارسازان ایرانی بودند که برای دسترسی به تولید بیشتر

بسیار دقیق پیاده شده‌اند.

شکل و تعیین وضعیت دقیق شاغلان قلمکار در این نهفته است که گروهی از هنرمندان در منازل خود به عملیات تکمیلی مشغول هستند. در شهر اصفهان حدود ۸۰ کارگاه قلمکاری شمارش شده که بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر در آنها مشغول کار هستند. ۵۴ کارگاه نیز با ۱۲۷ نفر کارگر تحت پوشش شرکت تعاونی قلمکاران اصفهان قرار دارند. یک آمارگیری دقیق نشان می دهد که ۳۲ درصد از استادکاران دو کارگر و ۱۸ درصد ۳ کارگر دارند و تنها ۱۰ درصد از کارگاه‌ها دارای بیش از ۵۰ کارگر هستند.

تعاونی چیت‌سازها که در سال ۱۳۴۷ کار خود را آغاز شده امروز دارای ۹۹ عضو است. مطالعه منابع عصر قاجار هم بیان کننده این واقعیت است که قلمکارهای اصفهان همیشه تولید و توزیع و به سراسر کشور ارسال می شد؛ در زمان سلطنت صفویان و به هنگام پایتختی اصفهان، به علت علاقه درباریان و توجه خاصی که به هنرهای صنایع معطوف می داشتند، انواع مختلف قلمکار تهیه می شد که معروفترین آنها قلمکار زر یا اکلیلی، صدرس (به گفته استاد پور صناعی در گذشته، برای آنکه نقش پارچه را به رنگ قرمز و بنفش درآورند، رنگها را صد روز می خواباندند تا جا بیفتد یا اصطلاحاً برسد؛ از این رو به آن «قلمکار صد رسی» می گفتند)، خمره ای، جیگر نات قرمز و بنفش بود؛ ولی متأسفانه امروزه به علت از بین رفتن تولیدکنندگان این قبیل محصولات و کمتر ادامه دادن روش‌های تولید، نمونه‌های مرغوب و قدیمی آن مگر تکه‌هایی که در مجموعه‌های شخصی یا موزه‌ها موجود است، یافت نمی شود.

در دوران صفویه و بعد از آن، محل تجمع کارگاه‌های تولیدی این محصولات از سردر قیصریه تا انتهای بازار ادامه داشت و کارگاهها و بازارهای فرعی، که تماماً اختصاص به تولیدکنندگان قلمکار داشته و

بعد از مدتی در اثر تابش نور خورشید رنگ پارچه بصورتی کاملاً سفید در می آید. گاهی نیز قلمکاران ترجیح می دهند زمینه پارچه را به رنگ زرد در آورند که در این صورت دندانان کردن پارچه اجتناب ناپذیر است.

عمل دندانان کردن پارچه معمولاً در کنار رودخانه انجام می شود و شیوه کار نیز چنین است که ابتدا شش قسمت گرد پوست انار و یک قسمت پودر هلیله (میوه درختی که در هند می روید و رنگش زرد یا سیاه است) را با افزودن کمی آب، بصورت خمیری سفت در آورده و جهت استفاده به شکل گلوله هایی گرد درست می کنند.

سپس آنرا آبیگری نموده و در برابر آفتاب خشک می کنند و بعد موارد مصرف پارچه را تعیین نموده و آن را به اندازه های دلخواه می برند و سرانجام برای چاپ به کارگاه انتقال می دهند. در مرحله چاپ استاد کار ابتدا قالب چوبی را که آغشته به رنگ مشکی است روی پارچه قرار داده و با مشت بر روی آن ضربه می زند و به این ترتیب نقش روی قالب به پارچه منتقل می شود و با تکرار این عمل، کلیه قسمتهایی که باید به رنگ مشکی درآید چاپ می شود.

مشکی در واقع نخستین رنگ قلمکار است که در هنگام انتقال بر روی پارچه کمی کم رنگتر از رنگ اصلی است و احتیاج به عملیات دیگری دارد تا رنگ اصلی آن ظاهر شود. شیوه استفاده از رنگ دوم (رنگ قرمز) هم درست مشابه رنگ مشکی است و همانند آن احتیاج به عملیات دیگری جهت تثبیت دارد. بعد از نقش زنی دو رنگ مشکی و قرمز پارچه را به رودخانه برده و مدت دو تا سه ساعت می شویند تا رنگ های اضافی در آن خارج گردد و بعد از خشکاندن آن را آماده تثبیت رنگ می کنند.

شیوه تثبیت رنگ به این صورت است که ابتدا پاتیلی را پر از آب نموده و بوسیله حرارت

دادن پاتیل، آب داخل آن را جوش می آورند. سپس حدود ۱۲ کیلوگرم پوست انار سائیده شده را به آب جوش داخل پاتیل اضافه نموده و بعداً حدود ۹۰ کیلو مغز روناس در داخل پاتیل ریخته و حرارت می دهند تا کاملاً در آب حل شود.

در این حال رنگ محلول داخل پاتیل قرمز میشود و صنعتگران پارچه های رنگ شده را در داخل آن قرار داده و بوسیله یک قطعه چوب اصطلاحاً ورکش می کنند. سپس آنها را خشکانده، به کارگاه برگردانده و به چاپ رنگهای آبی و زرد به شیوه پیش گفته می پردازند در قلمکارسازی معمولاً از پنج رنگ سیاه، قرمز، آبی، سبز و زرد به عنوان رنگ های اصلی و از قهوه ای و سایر رنگهایی که نتیجه ترکیب رنگهای اصلی است به عنوان رنگ های فرعی یاد می شود که در حال حاضر برای تهیه کلیه رنگها از مواد رنگزای گیاهی استفاده به عمل می آید و فقط رنگ سبز حاصل استفاده قلمکارسازان از نوعی رنگ شیمیایی است که به تازگی صنعتگران با استفاده از موادی نظیر کتیرا، نیل پرتاووسی، گلیسیترین و اسپرک (گیاهی که کلیه اجزای آن دارای رنگ است) موفق به تهیه رنگ سبز نیز شده اند.

در این که ایرانیان چاپ های سنتی را تکامل بخشیده و توسعه داده اند جای بحث زیادی نیست و تقریباً محققان بر این نکته تأکید ورزیده اند که اگرچه زمان تولد قلمکارسازی و چاپ باتیک در ایران دقیقاً مشخص نیست و به تحقیق نمی توان گفت این هنرها ریشه ای صرفاً ایرانی دارند یا از سایر همسایگان و اقوام اقتباس و اخذ شده اند، این نکته بدیهی بنظر میرسد که ایرانیان در اعتلای آن سهمی حساس و نقشی تعیین کننده داشته اند و طی سال های گذشته ابتکارات صنعتگران ایرانی سایه ای محسوس و مشخص بر این هنر در سراسر جهان انداخته است.

یکی از منابع الهام از احساسات حسن و زیبایی،

مذهب است. مذهب زرتشت و خصوصاً طریقه تصوف حائز عناصری بوداند که مخلوق صنعت و شعر به شمار می آمدند. از قرن سیزدهم به این طرف، «تصوف» طریقت بسیاری از صنعتگران بزرگ ایران بوده، عقیده ای که به موجب آن هر یک وجوه طبیعت مظهر تکامل و عشق الهی است قطعاً مردم را به مشاهده و احترام به طبیعت وادار می سازد. همان طور که شبستری گفته: « خداوند حُسن را در ضمیر ما مثل بیرقی که به دیوار شهر نصب کرده اند، قرار داده است.»

در موزه سلطنتی تصویر یک طوطی موجود است که به دست شاه عباس کشیده شده، اگرچه تصویر مذکور با کارهای نقاشان بزرگ دوران شاه عباس برابری نمی کند اما دارای سادگی و روحی است که اسباب مباهات یک پادشاه پرمشغله است.

همچنین ما می دانیم که نقشه اصفهان و تبدیل آن به یکی از بزرگ ترین شهرهای دنیا تقریباً کار شاه عباس و نتیجه فکر و فعالیت و نظرات او در جزئیات است. عامل دیگر که در ایجاد صنایع ایران دخیل بوده و نباید از نظر دور داشت، عادات و سنن است که به تدریج روی هم متراکم شده و در ایران و آسیا، صنایع بیشتر مربوط به آداب و سنن است اما در مغرب زمین بیشتر الهامات و احساسات شخصی دخیل می باشد.

صنعتگر ایرانی نظر به احترامی که برای صنایع پیشین قائل است از تقلید آنها با تغییرات جزئی، احساس خرسندی می کند به این ترتیب در صنایع عالی ایران یک اثر عظیم، نتیجه تجارب گذشته است و بالاخره محققین پس از اشاره به نفوذ صنایع ایران در دوره های گذشته به خصوص دوران ساسانیان روی صنایع کشورهای بزرگ می افزایند. همان طور که در گذشته اشاره شد هر چه سلجوقیان، عثمانی ها و مغول ها در صنعت انجام دادند، مدیون ایرانیان هستند.